

بازنمایی مفهوم بازنستگی در گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران (با تأکید بر قانون برنامه‌های توسعه در کشور)

(تاریخ دریافت: 93/04/08 تاریخ پذیرش: 1393/09/15)

حمیدرضا فرتوک زاده¹، محمد مهدی مظفری²، تقی پارسامهر^{3*}

چکیده

اگر چه موضوع بازنستگی به دلیل افزایش امید به زندگی و کاهش موالید در دهه‌های گذشته، دغدغه مهم اغلب کشورها در سطح جهانی است، اما آمار و ارقام و وضعیت صندوق‌های بازنستگی در ایران نشان می‌دهد که جامعه ایرانی در سال‌های نه‌چندان دیر بحران‌هایی جدی‌تر از سایر کشورها در این زمینه تجربه خواهد کرد و به یکی از مضمون‌های تأثیرگذار بر ساخت درونی قدرت ملی، تبدیل خواهد شد. این مساله مهم به رغم پیچیدگی‌هایی که در لایه‌های آشکار و پنهان خود دارد، غالباً ساده‌انگاشته شده و به راه‌حل‌های دم‌دستی سپرده می‌شود، طوری که می‌توان گفت با نوعی از پیچیدگی مرکب روبرو شده است. برخلاف تصورات رایج، تأمل بر این پدیده را نمی‌توان صرفاً در درون صندوق‌های بازنستگی و یا سازمان‌تأمین اجتماعی خلاصه کرد. چراکه بسیاری از مشکلات و مسائلی که در درون صندوق‌ها آشکار می‌شوند، نه به دلیل کارشناسی و تکنیکی و درون‌سازمانی، بلکه در ابعاد برون‌سازمانی و در لایه‌های عمیق‌تر یعنی گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی ریشه دارند. براین اساس، برای درک ژرف این پدیده، نباید شیفته ظواهر اغواگر و قیل و قال‌های محل ظهور شد، بلکه شایسته است که با عبور از سطح ظواهر به عوامل اساسی‌تر، دست یافت. بنابراین هدف این تحقیق، دست‌یابی به درکی عمیق از جنبه‌های برون‌سازمانی پدیده بازنستگی و ارایه تاریخ‌مند از تحولات آن در بستر گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی و توصیف ویژگی‌های نظام‌های معنایی آنها است. پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از این‌که مفهوم بازنستگی در گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی چگونه بازنمایی شده است؟ برای تحقق این هدف، داده‌های گفتمانی به روش لاکلاو و موفه، تحلیل می‌شوند. در این روش، هر متن در مقایسه با سایر متون و همچنین تحولات معنایی در سیر تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این تحقیق، مفهوم بازنستگی پس از انقلاب اسلامی در بستر گفتمان زمینه‌ای سه گفتمان کلان سیاسی و اجتماعی (سازندگی و اصلاحات) با تأکید بر متون قانون برنامه‌های توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد، تا با درک نشانه‌های اصلی و مفصل‌بندی‌های خاص هر گفتمان و همچنین تمایزات رویکردی، سیاست‌گذاری و عملکردی، در میان این گفتمان‌ها، کشف شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که اگر چه مفهوم بازنستگی در بستر گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی زمینه (سازندگی و اصلاحات) در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب از نظر تحلیل گفتمانی (مضامین، نشانه، دال‌ها، مدلول‌ها و...) یکسان نبوده است. یعنی بر موقوله بازنستگی به مثابه دال شناور در هر فضاهای گفتمانی، معانی متفاوت و گاه متضاد تثبیت شده است، اما همه گفتمان‌های گذشته کم و بیش، معنای ارزشمندی را از جنس آینده‌پژوهی حاشیه‌رانی کرده‌اند. معنایی که می‌توانند از شدت بحران آینده جلوگیری کرده و تکفل‌های افزایش یافته دولت را مهار کنند، اما این معناها در فرایند تقلیل معنایی گفتمان‌های کوتاه‌مدت، به حاشیه رانده شده‌اند. برخی از این معناها عبارتند از عدالت بین‌نسلی، تنظیم قطعیت‌های هزینه‌ای با عدم قطعیت‌های درآمدی، معنای دوره عمر هزینه، حساس بودن به آینده و مراقبت از منابع بین نسلی، ایجاد تعهدات متناسب با امکانات و غیره. از آن‌جا که سیاست‌های بازنستگی با مراقبت از سالمندان و تأمین آنها، ذخایر بلندمدت، تعهدات برای نسل‌های آینده، منابع بین نسلی، و عدالت بین نسلی در ارتباط است، بنابراین یافته‌های این تحقیق در خصوص روایت "تقلیل معنایی"، می‌تواند مورد استفاده کنش‌گرانی قرار گیرد که با سیاست‌گذاری‌های بین نسلی و بلندمدت سروکار دارند. براین اساس، نتایج این تحقیق، می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران کلان و نهادهایی که دغدغه امنیت ملی و استحکام ساخت درونی قدرت ملی آینده ج.ا.ا. را دارند قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

مفهوم بازنستگی، تحلیل گفتمان، غیریت‌سازی، مفصل‌بندی، دال و نشانه

1- دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

2- استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

*3- دانشجوی دکتری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسؤؤل): Parsamehrvision@gmail.com

1- مقدمه

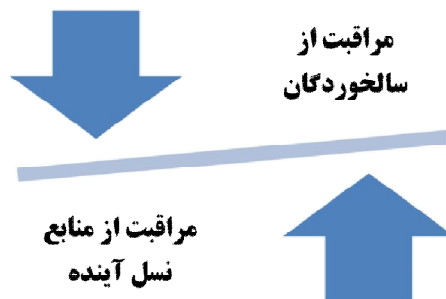
مفهوم بازنشستگی به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های تامین اجتماعی، تحت تاثیر جریان‌های اجتماعی و سیاسی دایم دچار بی‌قراری و از جاشدگی گردیده است؛ به طوری که، این مفهوم در بستر کلان اجتماعی و سیاسی، در طول تاریخ این مملکت و به خصوص با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن 1357، که سبب بازتعریف نوینی از مفاهیم و مقولات زندگی فردی و اجتماعی بر مبنای اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی شد، دچار تحولات معنایی گوناگونی گردید؛ به طوری که امروزه به عنوان خدماتی همگانی، در اصل 29 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تجلی پیدا کرده است.

از آنجا که خطمشی‌های بازنشستگی در قوانین و سیاست‌های کلان یک کشور، از قبیل برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن قابل درج و درک است، بروز و تبلور عینی تحولات معنایی این مفهوم با بررسی این قوانین و سیاست‌های کلان و راهبردی، قابل مشاهده است؛ بر این اساس، این تحقیق در پی فهم تحولات معنایی بازنشستگی و ارتباط آن با خط مشی‌ها در فضای سیاسی - اجتماعی جامعه ایران در دوران پس از انقلاب، از طریق تحلیل گفتمان متون برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران است.

2- بیان مساله

بحران سالمندی پیش‌ران اصلی بحران بازنشستگی و سناریوهای نامطلوبی از قبیل، افول رشد اقتصادی، کشمکش جوانان و سال‌خوردگان بر سر تصاحب منابع عمومی در آینده است [32]. به اعتقاد برخی، غفلت از فشارهای مالی سنگین سیستم‌های بازنشستگی، صدمات جدی بر اقتصاد جهانی وارد می‌سازد [27]. بر همین اساس، سی کشور عضو سازمان اقتصادی و توسعه¹ با توجه به روندهای جمعیتی و برای مهار بار هزینه‌های بازنشستگی، اصلاح سیستم‌های بازنشستگی را در دستور کار خود قرار داده‌اند [43]. در ایران نیز چالش بزرگ پیری جمعیت در حال تجربه شدن است [40] و پیش‌بینی می‌شود که در سال‌های بین 2011 تا 2050 ایران در زمره کشورهای با بیشترین درصد جمعیت بالای 60 سال قرار گیرد [26]. بنابراین انتظار این است که با توجه به روندهای جمعیتی، و انباشت بارهرینه‌ای، در ایران نیز، سیاست‌های بازنشستگی در جهت مهار بار تکفل، اصلاح گردد. اما در سال‌های اخیر، سیاست‌ها به گونه‌ای وضع شده است که میانگین سن بازنشستگی برغم افزایش امید به زندگی، روند کاهشی داشته، تعداد بازنشستگان از شاغلین پیشی گرفته، بازنشستگی زود هنگام گسترش یافته است [6]. مرور اوضاع صندوق‌های بازنشستگی، نشان می‌دهد که سیاست‌های بازنشستگی، برغم هشدارهای کارشناسی، در راستای جلوگیری از انتقال هزینه‌ها به آینده، اصلاح نشده‌اند، بلکه با افزایش وابستگی صندوق‌ها به بودجه عمومی، از بین رفتن هویت اقتصادی صندوق‌ها [6]، انتقال هزینه به نسل‌های آینده تشدید شده است. در واقع می‌توان دشواری سیاست‌گذاری در این حوزه را ایجاد توازن بین دو طرف نسل حال و آینده تصور کرد.

¹ -OECD



شکل 1- دشواره ماهیت مساله بازنشستگی (منبع این شکل استنباط محقق از موقعیت مساله‌خیزی سیاست‌گذاری و دشواری ایجاد توازن بین ذی‌نفعان حال و آینده در حوزه بازنشستگی است)

با توجه به این که امر بازنشستگی صرفاً یک پدیده درون‌سازمانی فنی - تکنیکی نیست، بلکه یک پدیده اجتماعی است که در بستر گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی تحول می‌یابد، بر همین اساس، این مفهوم در فضای گفتمانی سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، تا ضمن تبیین تحولات گفتمانی از چگونگی بازنمایی این مفهوم، به آینده‌های بدیل ناشی از گفتمان‌ها نیز پرداخته شود. بنابراین سوال اصلی این تحقیق عبارتست از: مفهوم بازنشستگی در گفتمان‌های جمهوری اسلامی (با تاکید بر قانون برنامه‌های توسعه) چگونه بازنمایی شده است؟

مروری بر تحقیقات پیشین

در رابطه با عنوان این تحقیق (تحلیل گفتمان خط مشی‌های عمومی مرتبط با بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران و ترسیم آینده‌های بدیل)، تا کنون هیچ تحقیقی انجام نشده است. در مدار تحقیقات تجربی پیشین، در زمینه بازنشستگی تحقیقات گوناگونی در سطوح بین‌المللی و ملی و سازمانی انجام شده است. برخی از تحقیقات انجام شده در این قسمت بررسی می‌شود.

یافته‌های تحقیق روغنی زاده (1384)، با عنوان: تحلیل ریاضی صندوق‌های بازنشستگی ایران و طراحی سیستم بهینه برای صندوق‌های یاد شده، نشان می‌دهد که صندوق‌های بازنشستگی در ایران وارد مرحله‌ای از حیات خود شده‌اند که در آن مرحله ثبات و پایداری صندوق به شدت سیر کاهنده پیدا کرده است. در این تحقیق به منظور برون‌رفت از بحران، بر اساس دانش آکچوئری، بهینه‌سازی پارامترها و سیستم بازنشستگی پیشنهاد شده است.

یافته‌های تحقیق شکوری (1388)، با عنوان: آثار ساختار سنی جمعیت ایران بر صندوق‌های بازنشستگی، نشان می‌دهد که سال‌مند شدن جمعیت موجب بحرانی شدن وضعیت صندوق کشوری، از نظر توازن دریافتی و پرداختی‌ها شده است. در انتها برای مهار بحران دو استراتژی توصیه شده است، اصلاحات پارامتریک مثل افزایش سن بازنشستگی و اصلاحات سیستم بازنشستگی.

یافته های تحقیق قاسمی (1387)، با عنوان: مروری بر شاخص های اندازه گیری تورم و پیشنهاد ساخت شاخص اندازه گیری تورم برای بازنشستگان، نشان داد که شاخص بهای کالاهای خدمات مصرفی که ملاک محاسبه بانک مرکزی برای نرخ تورم است، کاستی هایی دارد، لذا پیشنهاد می کند که برای گروه بازنشستگان، شاخص اندازه گیری تورم به صورت مجزا در نظر گرفته شود.

یافته های تحقیق عطاریان (1390)، با عنوان: چالش های پیش روی صندوق بازنشستگی کشوری و راهبردهای برون رفت از آن، نشان می دهد که صندوق بازنشستگی کشوری با چالش های جدی از نظر وضعیت منابع و مصارف مواجه است. او برای برون رفت از بحران، استقرار نظام جامع تامین اجتماعی چند لایه را پیشنهاد می کند.

یافته های تحقیق کوریو¹ و اشمیت هبل² (2004)، با عنوان: اثرات اصلاح سیستم بازنشستگی شیلی بر اقتصاد کلان، نشان می دهد که اصلاحات بازنشستگی در کشور شیلی بر متغیرهای اقتصاد کلان از قبیل سرمایه گذاری کل، پس انداز کل، اشتغال کل، بهره وری کل، و بازار سرمایه اثر مثبت داشته است. این تحقیق تاثیرات اقتصاد کلانی اصلاحات را نشان می دهد.

یافته های تحقیق لاهی³ و آنسون⁴ (2007)، با عنوان: بدهی دولت بابت بازنشستگی، چرا انجام اصلاحات برای نجات سیستم بازنشستگی کارکنان دولت ضروری است؟ با بررسی 125 سیستم بازنشستگی ایالتی در امریکا، نشان می دهد که علت عمده ی بدهی های دولت امریکا سیستم بازنشستگی (مزایای معین) است، لذا پیشنهاد اصلاح سیستم بازنشستگی را مطرح می کنند.

هاودینگ⁵ و مریت⁶ (1998)، بر اساس مدل های همپوشانی نسلی⁷ برای هفت کشور، امریکا، ژاپن، فرانسه، کانادا، ایتالیا، انگلستان، و سوئد، تحقیقاتی انجام دادند. شبیه سازی های این تحقیق، کاهش سخاوتمندی نظام بازنشستگی عمومی را برای کاهش بار مالی تعهدات آینده را پیشنهاد می کنند.

یافته های تحقیقی ویلیامسون⁸، هاولینگ⁹، و ماروتو¹⁰ (2006)، نشان می دهد، که چرا مدل سه رکنی¹¹ پیشنهادی بانک جهانی، به رغم این که با میراث سیاستی کشور روسیه ر ناسازگار بود، مورد پذیرش قرار گرفت. بر این اساس، چندین عامل در پذیرش مدل سه رکنی تاثیر داشته است. فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی ناشی از سازمان های بین المللی مالی، شبکه های اقتصاددانان نتولیبرال و متخصصان که با موسسات مالی بین المللی به ویژه بانک جهانی در تعامل بودند، در فرآیند پذیرش این مدل نقش اساسی داشت. همچنین این تحقیق، ساختار دهی مجدد با جهت گیری به سوی مدل مشارکت معین مطرح می کند.

¹ - Victor Corbo

² - Klaus Schmidt- Hebbel

³ -Lahey

⁴ -Anenson

⁵ -Hviding

⁶ -Merette

⁷ -Overlapping generations(OLG)

⁸ -Williamson

⁹ -Howling

¹⁰ -Maroto

¹¹ -Multi-pillar pension Model

بسیاری از تحقیقات پیشین در سطح بین‌المللی و یا ملی، بر عوامل درون‌سازمانی از قبیل محاسبات آکچوئتری، روش‌های کمی، تکنیک‌ها برای بهینه‌سازی تاکید می‌کنند. در واقع این تحقیقات تلاش می‌کنند راه حل در همان محل ظهور مساله (صندوق‌های بازنشستگی) جستجو کنند. برخی دیگر از تحقیقات از قبیل مطالعات اثرات اقتصاد کلان اصلاح سیاست‌های بازنشستگی و یا اقتصاد سیاسی اصلاحات بازنشستگی‌های بازنشستگی، عوامل برون‌سازمانی را مد نظر قرار داده‌اند. اما گاهی تبار مساله بازنشستگی به مثابه یک پدیده اجتماعی، فراتر از صندوق‌های بازنشستگی و عمیق‌تر از اقتصاد سیاسی، یعنی در لایه‌های عمیق‌تر پدیده، نظام‌های معنایی و گفتمانی ریشه دارد. بنابراین تحلیل بازنشستگی به مثابه پدیده اجتماعی در سطح عمیق‌تر گفتمانی، از کاستی‌های تحقیقات پیشین به‌شمار می‌رود. از این‌رو، این تحقیق در تکمیل تحقیقات قبلی، ابعاد تحلیل گفتمانی بازنشستگی به‌منظور ساخت آینده‌های بدیل را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بررسی مفهومی و نظری بازنشستگی

بازنشستگی به مثابه یک پدیده اجتماعی مدرن زیر مجموعه مقوله تامین اجتماعی قرار گرفته است؛ بر این اساس، لازم است پیش از پرداختن به مفهوم بازنشستگی، مفهوم تامین اجتماعی مورد واکاوی قرار گیرد. در دایرالمعارف بریتانیکا، تامین اجتماعی به معنای امتداد سطح درآمد و معیشت با تاکید بر جبران درآمد است [24]. در حالی در تعریف اساسنامه اتحادیه بین‌المللی تامین اجتماعی^۱، به معنای برنامه‌ای است که توسط قوه مقننه، اعضای جامعه را در مقابل بروز حوادث ناشی از شغل، بیکاری، بازنشستگی، بازماندگی و ... حمایت می‌کند [24]. در تعریف ایسا، بر وجه اجباری بودن تامین اجتماعی تاکید می‌شود، همچنین تامین اجتماعی دال بر حق عمومی و اجتماعی بودن دارد.

در قانون تامین اجتماعی، بازنشستگی به معنای عدم اشتغال بیمه شده به کار به سبب رسیدن به سن بازنشستگی در قانون، تعریف شده است. به تعبیر دیگر، بازنشستگی شرایطی است که در آن توان کاری فرد به صورت قابل توجهی کاهش می‌یابد، یعنی قدرت و توانایی سابق را برای فعالیت از دست می‌دهد و به حمایت‌هایی برای ادامه زندگی نیاز دارد.

طرح‌های بازنشستگی دارای تاریخی طولانی هستند، در واقع سیستم‌های مدرن بازنشستگی نوعی واکنش به تحولات اجتماعی و اقتصادی قرن نوزدهم هستند که در طی آن افراد از ساختارهای خانوادگی سنتی و کشاورزی خارج شده، لازم بود تا ساختارهای رسمی جایگزین گردد [30].

اگر سیستم‌های بازنشستگی در ارتباط با نظام‌های رفاهی بررسی شوند، بر اساس نظر اسپینگ-آندرسن^۲، سه گونه نظام رفاهی را قابل شناسایی است، نظام رفاهی لیبرال که از نظر دسترسی به استانداردهای زندگی در دوران بازنشستگی، دیدگاه حداقلی دارد، نظام‌های رفاهی صنفی- مشارکتی، که سطح دسترسی به استانداردها، در حد متوسط است و بر اساس مشارکت، اتحادیه، اصناف، و سایر طرف‌ها تعیین می‌شود، و

^۱ -International Social Security Association (ISSA)

^۲ -Esping-Andersen

نظام‌ها رفاهی سوسیال - دمکراسی، که ارایه مزایای دوران بازنشستگی گسترده و سخاوتمندانه تعیین می‌شود [29].

شایان ذکر است، بازنشستگی دارای الگوها و طرح‌های مختلفی است و بر مبنای آن، نظام‌های بازنشستگی اغلب کشورها بر اساس یکی از الگوها و طرح‌ها یا ترکیبی از آنها، قابل تقسیم‌بندی است؛ الگوهای مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

الگوی مزایای تعریف شده¹: در این الگو مزایای بازنشستگی از طریق فرمولی به حقوق و دستمزد، مدت اشتغال، مرتبط می‌شود. این الگو که در بسیاری از کشورها رایج است، در ایران مبنای حقوق بازنشستگی میانگین دریافتی‌های شاغلین در سال‌های آخر خدمت و یا طول دوره خدمت است که با اعمال ضرایب و فرمولهای خاصی محاسبه می‌شود [6].

الگوی کسور تعریف شده²: در این الگو مزایا و حقوق بازنشستگی بر اساس مشارکت (پرداخت حق بیمه) معین تعیین می‌شود [41]. برخی از کشورهای جهان از الگوی کسور تعریف شده استفاده می‌کنند. در این نظام، حقوق بازنشستگی بر اساس حق بیمه‌ای که از طرف ذینفع پرداخت شده است، محاسبه می‌گردد در این نظام، حقوق بازنشستگی ممکن است بر اساس میزان کسورات پرداخت شده یا سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها محاسبه شود. لازم به ذکر است، تامین منابع مالی در نظام DC ممکن است به صورت اندوخته گذاری کامل³ باشد.

الگوی کسورات تعریف شده (اندوخته‌گذاری کامل)⁴: در این نظام کسورات افراد (سهام کارمند و کارفرما) در حساب‌های شخصی آنها ثبت و بر روی کسورات دیگر اندوخته می‌شود، این کسورات جمع‌آوری شده توسط مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری و در آغاز بازنشستگی هر فرد، سهم او از منابع موجود مشخص می‌شود [6]. در ایران، صندوق‌های کشور از جمله سازمان تامین اجتماعی⁵، سازمان بازنشستگی کشوری⁶ و سایر صندوق‌های اختصاصی از الگوی مزایای تعریف شده استفاده می‌کنند. سازمان تامین اجتماعی هر دو بخش عمومی و خصوصی بازنشستگی را بر عهده دارد، و سازمان کشوری نیز بخش دولتی را بر عهده دارد. شایان ذکر است صندوق‌های بازنشستگی با توجه به چالش‌های فرارو، باید برای نیل به پایداری مالی اصلاح شوند [45].

یکی از جنبه‌های مهم سیاست بازنشستگی، بُعد اقتصاد کلان آن است. یعنی این سیاست‌ها می‌توانند بر اقتصاد کلان کشورها تاثیر قابل ملاحظه داشته باشند. بررسی تجربی اصلاحات بازنشستگی در کشور شیلی نشان داد که اصلاحات در این کشور، بر افزایش نرخ‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، بهبود اشتغال کل، بهبود بهره‌وری نیروی کار، افزایش فعالیت در بخش رسمی و کاهش فعالیت در بخش غیر رسمی بطور معناداری تاثیر گذاشته است [28]. بنابراین، از آن‌جا که صندوق‌های بازنشستگی با ذخایر بلندمدت سر و کار دارند و

¹ -Defined Benefit-Pay As You Go(DB_PAYG)

² -Defined Contribution(DC)

³ -Fully Funded(FF)

⁴ -DC-FF

⁵ -Social security Organization(SSO)

⁶ - Civil Servants Retirement Organization(CSRO)

بازه زمانی سرمایه‌گذاری این ذخایر بلندمدت است، در ایران نیز می‌توان سیاست‌های بازنشستگی را برای تاثیرگذاری بر اقتصاد کلان و ایجاد لنگرگاهی بلندمدت برای مقابله با نوسانات کوتاه‌مدت بکار بست. یکی از جنبه‌های مهم سیاست‌های عمومی از جمله سیاست‌های بازنشستگی چسبندگی آنها به ساختارهای پیشین و میراث‌های سیاستی است. ویر^۱ و اسکاچپول^۲، معتقدند که ساختار دولت و میراث‌های سیاستی^۳ تاثیر غیر قابل انکاری بر سیاست‌های عمومی می‌گذارند. در واقع پذیرش میزان تغییرات سیاستی و قبول ایده‌های نو به شدت تحت تاثیر ساختارهای پیشین دولت و میراث‌های سیاستی است [42]. بنابراین میراث‌های نهادی به جای مانده از دولت رفاه کمونیست^۴ برای بسیاری از کشورهای اروپای شرقی، و میراث‌های نهادی به جای مانده از نظام‌های رفاهی اقتصادهای وابسته به نفت، از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر اصلاحات سیاست‌های بازنشستگی خواهند بود.

اقتصاد سیاسی نیز از جنبه‌های بازنشستگی است. بدین ترتیب، در سیاست‌های بازنشستگی، در کنار ساختارهای دولت، دخالت‌های سیاسی سازمان‌های بین‌المللی، و مباحث سیاستی در این سازمان‌ها از طریق نفوذ بر ذی‌نفعان، سیاست‌گذاران، بر فرایند سیاست، تاثیر می‌گذارند. بررسی وضعیت روسیه نشان می‌دهد که اگر چه مدل سه رکنی پیشنهادی بانک جهانی با میراث سیاستی ناسازگار بود، اما به دلیل فشارهای ناشی از ترویج فرهنگ شبکه‌های تئولیرال در داخل کشور، و فشار نهادهای بین‌المللی از طریق کارشناسان مرتبط با آنها، این مدل در روسیه پذیرفته می‌شود [44].

اما در ایران درآمدهای نفتی مهمترین نقش را در اقتصاد سیاسی داشته است. بر اساس دیدگاه ببلاوی^۵، اگر درآمدهای دولتی حداقل 42 درصد از محل رانت باشد، آن دولت رانتیر است [۲۵،۳۹]. در کشورهای وابسته به نفت، ممکن است به دلیل دسترسی دولت‌ها به منابع نفتی، و تامین کسری صندوق‌های بازنشستگی از طریق منابع عمومی، هیچ‌گونه التزام و تعهدی برای اصلاح سیاست با رویکرد بین‌نسلی شکل نگیرد. بنابراین برای ایجاد التزام و تعهد برای اصلاحات سیاستی، لازم است توجه سیاست‌گذاران را به ماهیت روندی بودن، و افزایشی بودن وابستگی صندوق‌ها، و انباشت تعهدات در افق بلندمدت جلب کرد.

3- چهارچوب روشی تحقیق

تحقیق حاضر، به روش کیفی و با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان، آن هم بر مبنای نظریات لاکلاو^۶ لاکلاو^۶ و موفه^۷ به انجام رسیده است. از نظر لاکلاو و موفه، گفتمان کلیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بُعد و از طریق ارتباط با سایر نشانه‌ها تثبیت می‌شود. در واقع گفتمان یعنی فروکاستن حالت‌های ممکن، تلاشی است برای خلق نظام واحد معنایی، آنها حالت‌های ممکن را که گفتمان به حاشیه رانده است،

۱- Wier
 ۲- Skocpol
 ۳- Policy Legacies
 ۴- Communist Welfare State
 ۵- Beblawi
 ۶- Ernesto LacLau
 ۷- Chantal mouffe

را میدان گفتمانی^۱ می‌نامند. در واقع یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌های ویژه شکل می‌گیرد [34]. در این منظر همه چیز از جمله سیاست‌های عمومی از قبیل بازنشستگی نوعی سازه گفتمانی بشمار می‌رود، که به مثابه جزئی از یک نظام معنایی گسترده‌تر (گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی) قابل درک و فهم است.

بنابراین چند اصطلاح مرسوم در تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، توضیح داده می‌شود: مفصل‌بندی^۲: کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها و... چنان رابطه‌ای ایجاد شود که هویت اولیه آنها دستخوش تحول گردد و هویت جدید بر ساخته شود. بنابراین، آن کلیت ساختار یافته در اثر عمل مفصل‌بندی میان مولفه‌های گوناگون شکل می‌گیرد [33].

دال یا نقطه مرکزی یا گره‌گاه^۳: دال مرکزی آن نشانه‌ای است که به تثبیت موقت رسیده است. این نشانه، یک گره‌گاه مرکزی است که سایر نشانه‌ها در سایه آن نظم پیدا می‌کنند، و حول آن مفصل‌بندی می‌شوند [34].

عناصر^۴: عناصر نشانه‌هایی هستند که هنوز معنای آنها تثبیت نشده است، یعنی قابلیت داشتن معناهای چندگانه را دارند. گفتمان‌ها تلاش می‌کنند از طریق تقلیل چند معنایی و تثبیت کامل یک معنا، عناصر را به لحظه، و قته، یا بُعد^۵ تبدیل کنند [33].

دال و مدلول: دال^۶، مفاهیم، اشخاص، عبارت، و نمادها،... هستند که در چهارچوب گفتمانی بر معانی خاص دلالت می‌کنند، و مدلول^۷، معنا، و مصداقی است یک دال بر آن دلالت می‌کند [12].

دال‌های شناور^۸: در نظریه گفتمان، عنصرهایی را که به روی انتساب معانی گوناگون باز هستند، را دال‌های شناور گفته می‌شود [35، 36]. دال‌های شناور، نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به روش خود، معنای مورد نظر خود را بر آنها تثبیت کنند. گفتمانها برای تثبیت معنا بر سر این دال‌ها با هم کشمکش می‌کنند.

دال خالی: دال خالی^۹ یعنی دال‌هایی که فاقد مدلول هستند، نوعی تهی بودن و کمبود در دال‌ها است [37].

[37]. این دال‌ها نشانه بحران‌ها، تقاضاها و بی‌قراری‌های موجود در گفتمان مسلط بوده که پس از ساختار شکنی گفتمان مسلط، معمولاً در جای دال مرکزی گفتمان جدید قرار گرفته و مفصل‌بندی گفتمانی جدیدی حول آن شکل می‌گیرد.

شایان ذکر است برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، که به صورت پنج‌ساله و توسط دولت وقت تنظیم، و در قالب قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد، جهت‌گیری‌های اساسی را نسبت به موضوعات عمومی از جمله مقوله بازنشستگی نشان می‌دهند، لذا در این

۱ - the field of discursivity

۲- Articulation

۳ - Nodal Point

۴ - Elements

۵ - Moment

۶- Signifier

۷- Signified

۸ - Floating signifiers

۹- Empty signifier

تحقیق، متون قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران¹ به عنوان جامعه آماری، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. جامعه آماری شامل پنج برنامه² به شرح ذیل را در بر می‌گیرد: قانون برنامه اول توسعه (مشمول بر در یک ماده واحده و 52 تبصره) که در بین سالهای (1368 تا 1373) به اجرا درآمد.

قانون برنامه دوم توسعه (مشمول بر یک ماده و 101 تبصره) که در برهه زمانی سالهای (1374 تا 1378) اجرایی گردید.

قانون برنامه سوم توسعه (مشمول بر 200 ماده و 57 تبصره) که در طی سالهای (1379 تا 1383) اجرا شد. قانون برنامه چهارم توسعه (مشمول بر 211 ماده و 34 تبصره) که در بین سالهای (1384 - 1388) به اجرا درآمد.

قانون برنامه پنجم توسعه (مشمول بر 197 ماده و 30 تبصره) که مقرر گردیده بود طی سالهای (1390 - 1394) اجرایی گردد.

تحلیل یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل گفت‌وگوهای بازنشستگی در متون برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که بازگوکننده رویکرد گفت‌وگوهای پس از انقلاب به این مقوله بوده است، بدین شرح است:

بازنشستگی در گفت‌وگوهای (برنامه اول و دوم توسعه)

امام خمینی (ره) به مثابه دال ارشد و برتر گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی و عامل اصلی انسجام درونی گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی، دارای چنان نفوذی بود که هرگونه مساله با رجوع به ایشان حل و فصل می‌شد، اما بعد از ارتحال ایشان در سال 1368، زمینه برای برجسته شدن تفاوت‌ها و مرزهای غیریت بین خرده گفت‌وگوهای درون نظام فراهم شد. در نتیجه گفت‌وگوهای جدیدی با دال‌های نو، ظهور کرده، و رویکردهای سیاسی کشور را رقم زدند [17]. در سال 1368 دو گروه موسوم به راست سنتی (هوادار مالکیت خصوصی، عدم دخالت دولت در اقتصاد، عدم کنترل تجارت داخلی و خارجی...) و گروه موسوم به چپ سنتی که به خط امام شهرت داشتند و طرفدار نوعی خاص از اقتصاد اسلامی، اصلاحات ارضی، قسط و عدالت، ملی کردن تجارت خارجی، منع ثروت اندوزی، مداخله دولت در اقتصاد و... بودند، در مقابل هم صف‌آرایی کردند (که این اختلافات تا زمان

¹ - برنامه‌های توسعه، سیاست‌های کلانی هستند که به صورت برنامه پنج‌ساله و توسط دولت وقت تنظیم می‌شود.

² - در برهه زمانی سالهای (1362 - 1366) که مصادف بود با دوره فعالیت دولت سید علی خامنه‌ای و حاکم بودن گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، برنامه‌ای موسوم به برنامه صفر توسعه در صدر برنامه‌ها و دستور کارهای دولت قرار داشت؛ اما، به دلیل عدم توفیق این دولت در ارائه لایحه برنامه مذکور به مجلس و به تبع آن عدم تصویب و قانونی شدن آن، هیچ متن مدوئی از این برنامه قانونی و قابل طرح به عنوان برنامه صفر توسعه نمی‌باشد، به این جهت امکان طرح این برنامه در کنار سایر برنامه‌های توسعه، مبنای تحلیل گفت‌وگوها حاضر قرار گیرد.

حیات امام هرگز چنین جدی و برجسته نشده بود) البته پی‌آمدهای حاصل از پایان جنگ نیز در شکل‌گیری گفتمان‌های جدید تاثیر مهمی داشت [7]. در این سال، سرانجام گرایش اول توانست بر گرایش دوم غلبه کند، و جهت‌گیری‌های سیاسی کشور را در راستای توسعه اقتصادی سوق دهد [3]. بنابراین، گفتمان جدیدی مبنی بر سازندگی در کشور تسلط می‌یابد، باور اصلی این گفتمان این بود که در سایه توسعه اقتصادی، امکان استقلال، عدالت و غیره فراهم می‌شود، و بر همین اساس، مهمترین جهت‌گیری در برنامه اول توسعه، عبارت بود از سیاست تعدیل اقتصادی بود با جنبه‌هایی از قبیل کاهش تدریجی یارانه‌ها، تک نرخی کردن ارز، واقعی کردن قیمت [2]. با توجه مجموع گفتارهای هاشمی، که توسعه اقتصادی با 50 درصد فراوانی‌ها، یعنی 487 فراوانی از 975 مضمون، می‌توان ادعا کرد که مهمترین دغدغه دولت هاشمی، توسعه اقتصادی بوده است [5]. هاشمی در سخنرانی که حدود یکصد روز پس از تحلیف ریاست جمهوری در تاریخ 15 آذر 1368 در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام شد، در باره برنامه اول توسعه، بر تولید، و جذب سرمایه‌گذاری برای نجات جامعه از فقر تاکید می‌ورزد [20]. ایشان در تاریخ 1371/6/1 در هفته دولت، در یک برنامه تلویزیونی، اعلام می‌کنند که برای رفع فقر عمومی باید تولید و کارخانه‌ها فعال شوند، و برای حمایت از مصرف‌کنندگان باید از طریق تولید، بازارها را از کالا اشباع کرد [21]. هاشمی، در مراسم تحلیف در تاریخ 13 مرداد 1372، اعتلای کشور را موضوعی مهم شمرده است که ممکن است توفان‌ها و جوسازی‌ها مانع از تشخیص مردم شوند. او برای ساختن محیطی آرام برای تولید، بر دوری از ماجراجویی در سیاست خارجی تاکید می‌کند [22]. در واقع وضعیت آسبی در گفتمان توسعه اقتصادی، زمانی است که فقدان تولید است که این خود منجر به فقر، تورم، عقب ماندگی و... می‌شود، و وضعیت مطلوب حالتی است که تولید و سرمایه‌گذاری بیشتر، منجر به رفاه، وفور، سازندگی و... می‌شود.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان مدعی شد که روح حاکم بر گفتمان سازندگی، تولید و توسعه اقتصادی است. بر همین اساس پررنگ‌ترین نشانه و اصلی‌ترین دال، "تولید و توسعه اقتصادی" است. سایر نشانه‌های مهم این گفتمان از قبیل "رشد و سازندگی"، "تعدیل اقتصادی"، "خصوصی‌سازی"، "واقعی کردن قیمت‌ها"، "توسعه اقتصادی دولت محور"، و "دولت نیرومند حامی بازار" دیگر نشانه‌هایی هستند که مفصل بندی معنایی این گفتمان را شکل می‌دهند. بر همین اساس شرط فقر زدایی، و گسترش تامین اجتماعی با تمام زیرمجموعه‌های آن (از جمله بازنشستگی) اهتمام به تولید، اشتغال، و کار است. در این گفتمان بین رفاه، تامین اجتماعی، کاهش فقر عمومی، و تولید همگرایی بسیار نزدیکی وجود دارد از آنجا که نشانه مرکزی "تولید و توسعه اقتصادی" باید به عنوان روح این دوره، محور همه اقدامات قرار گیرد، می‌توان مدعی شد که نشانه‌ی مرکزی گفتمان بازنشستگی در دوره سازندگی را نیز "پشتوانه‌ی تولید و پشتوانه‌ی توسعه اقتصادی" است.

با روی کار آمدن دولت سازندگی در محدوده زمانی 1368 تا 1376 دو برنامه اول و دوم توسعه به تصویب رسید. در برنامه اول توسعه، اگر چه هیچ تبصره‌ای به صورت مجزا به بازنشستگی نپرداخته است، اما با توجه به جهت‌گیری دولت به تامین اجتماعی (که مقوله بازنشستگی هم از زیرمجموعه‌های است) که ریشه در اصل 29 قانون اساسی دارد، رویکردهای سازندگی در برنامه اول توسعه نیز نمود پیدا کرده است.

جدول 1 - بازنشستگی در قانون برنامه اول

ردیف	برنامه توسعه	تبصره	مضمون
1	برنامه اول	هدف کلی برنامه	تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی
2	برنامه اول	بند 4-5 خط مشی‌های برنامه	تهیه و تدوین چهارچوب نظام تأمین اجتماعی بر اساس اصل 29 قانون اساسی و زمینه سازی اجرای این اصل
3	برنامه اول	بند 5-6 خط مشی‌های برنامه	تعمیم بیمه‌های اجتماعی با اولویت روستائیان، عشایر و گروه‌های آسیب پذیر

در این نظام معنایی سه نشانه شامل، عدالت اسلامی، چهارچوب بندی تأمین اجتماعی، و گروه‌های آسیب‌پذیر (روستائیان و عشایر) حول دال مرکزی "پشتوانه تولید بودن"، مفصل بندی معنایی را شکل داده است. در توضیح این نشانه‌ها باید گفت که نشانه‌ی "حمایت از بیمه روستائیان و عشایر"، اولاً، با توجه به این که جمعیت روستایی و عشایر نقش مهمی و اساسی در تأمین مواد غذایی، مواد خام و اولیه مورد نیاز کشور را بر عهده دارند، حمایت از آنها به نوعی حمایت از پتانسیل‌های بالقوه طبیعی کشور و حمایت از تولید است، از طرف دیگر حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را می‌توان نوعی پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی و اقشار مستضعف تعبیر کرد که ریشه در گفتمان انقلاب اسلامی و میراث سیاسی دارد. نشانه‌ی "تلاش برای عدالت اجتماعی اسلامی" می‌توان تعهد دولت به قانون اساسی، و میراث سیاسی نظام جمهوری اسلامی معنا کرد. از دال‌های مهم که در گفتمان قبلی به عنوان دال خالی و یا نشانه کمبود به‌شمار می‌رفت، "تعریف و تهیه چهارچوب" مشخص از تأمین اجتماعی با تمام زیرمجموعه‌هایش (از جمله بازنشستگی) است. برجسته‌سازی نشانه‌ی "چهارچوب بندی" را می‌توان چنین توضیح داد که برای اجرا و عملیاتی‌سازی اصل 29 نیاز به یک چهارچوب مشخص بوده است. یعنی بدون تهیه چهارچوب نمی‌توان اصل 29 قانون را اجرا کرد. شرایط بازسازی ویرانی‌های جنگ، و محدودیت منابع در کشور را برای اجرای تمام عیار اصل 29، می‌توان عوامل زمینه‌ای این نشانه دانست.

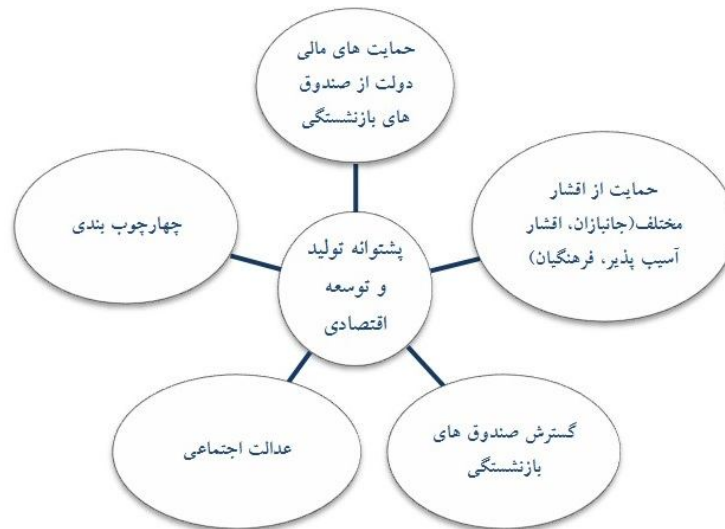
با توجه به این که در برنامه اول توسعه، دولت هاشمی عمدتاً بر بُعد حمایت‌های بیمه‌ای در حوزه درمان تأکید داشت، انتقاداتی در زمینه کمبود حمایت‌های اجتماعی دولت به دنبال داشت، بر این اساس دولت سازندگی، در واکنش به انتقادات و کاهش فشار آن، و با آغاز به کار دولت ششم علاوه بر حمایت‌های بیمه‌ای، حمایت‌های اجتماعی را نیز در حوزه تأمین اجتماعی تعریف نمود. در حد فاصله برنامه اول و دوم توسعه، رخدادهایی از قبیل رشد مثبت در برخی از بخش‌های اقتصادی، کاهش نرخ تورم سالانه از 49/4 درصد در سال 1372 به 23/2 درصد در سال 1375، افزایش بودجه دولتی که برآیند این تحولات، تخصیص بودجه بیشتر در حوزه بازنشستگی بود.

جدول 2 - بازنشستگی در قانون برنامه دوم توسعه

ردیف	برنامه توسعه	تبصره	مضمون
1	برنامه دوم	بند 1 خط مشی‌های	نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور
2	برنامه دوم	43	پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی
3	برنامه دوم	63	تأسیس صندوق ذخیره فرهنگیان و استرداد سهم شرکت آنان در هنگام بازنشستگی

در برنامه دوم توسعه، در واکنش به انتقادات در زمینه کمبودهای حمایت‌های اجتماعی، و با توجه به بهبود بودجه دولتی، تلاش شده است تا دال‌های خالی برنامه اول، در زمینه حمایت از جانبازان، ایثارگران، شاغلین مشاغل سخت و زیان آور، آموزگاران و فرهنگیان، و صندوق‌های بازنشستگی جبران گردد. شایان ذکر که اگر چه نشانه‌های حمایتی در این گفتمان به نوعی ادامه نشانه‌های حمایتی در گفتمان‌های پیشین است، اما به دلیل نوع مفصل‌بندی، و متفاوت بودن دال مرکزی، نظام معنایی متفاوتی بر رویکرد‌های سیاستی بازنشستگی حاکم می‌شود و این حوزه را به جهت متفاوتی سوق می‌دهد. در گفتمان قبل از سازندگی که نظام معنایی آن حول " کاهش فاصله طبقاتی " مفصل‌بندی شده بود، نشانه‌های حمایتی برای کاهش فاصله طبقاتی بوده است، اما در گفتمان سازندگی، نشانه‌های حمایتی یا به‌طور مستقیم برای پشتیبانی از تولید و توسعه اقتصادی برجسته می‌شد و یا به‌طور غیر مستقیم برای کاهش بار انتقادات، و تلطیف فضای سیاسی به منظور راه اندازی تولید صورت می‌گرفت. بنابراین نشانه‌های حمایت‌ها یکسان، در مفصل‌بندی‌های متفاوت، معنای متفاوت پیدا می‌کنند.

در راستای پاسخ به سوال تحقیق، که مفهوم بازنشستگی در گفتمان‌های پس از انقلاب چگونه بازنمایی شده است؟ یافته‌ها حاکی از این است که بازنشستگی در دوره سازندگی با توجه نشانه اصلی آن یعنی تولید و توسعه اقتصادی، به معنای " پشتوانه تولید و توسعه اقتصادی "، بازنمایی شده است، که برای کاهش تنش‌ها، و تلطیف فضای کشور برای نیل به تولید و توسعه نشانه‌های حمایتی را نیز وارد مفصل‌بندی می‌سازد.



شکل 2 - مفصل بندی بازنشستگی در گفتمان سازندگی (بر اساس قانون برنامه اول و دوم توسعه)

در توضیح چرایی شکل نگرفتن نشانه‌های اقتصادی-بیمه‌ای در این گفتمان، می‌توان به شرایط آن برهه زمانی اشاره کرد. عواملی از قبیل جوان بودن هرم سنی جمعیت، مطرح نبودن بحران پیری و نبود بحران های مالی صندوق های بازنشستگی، پایین بودن سهم هزینه بازنشستگان در بودجه کشور و غیره، موضوعیت نشانه های اقتصادی- بیمه ای را منتفی می‌کرد.

یکی از ویژگی‌های گفتمان سازندگی، توسعه اقتصادی با محوریت دولت است. در واقع توسعه اقتصادی در این گفتمان یک فرایند طبیعی نیست، بلکه یک برنامه و پروژه ای دولتی است. اگرچه دولت دال ها و مفاهیمی از قبیل "خصوصی‌سازی"، "رشد اقتصادی"، "تمرکززدایی"، "تعدیل اقتصادی"، "کاهش کسری بودجه" را حول "تولید و توسعه اقتصادی" گرد می‌آورد، اما به دلیل این که سرشت این توسعه دولت محور است، بین دال هایی مثل تمرکزگرایی در مقابل تمرکز زایی، حمایت از اقشار محروم در مقابل رشد اقتصادی تناقض ایجاد می‌گردد. "دولت محور بودن" با "تمرکز گرایی مدیریت دولتی"، همراه است. از طرف دیگر، خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی با برداشت از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که با گفتمان نئولیبرال نزدیکی دارد، بر حذف و یا حداقل سازی دولت تکیه دارد. تاثیر "تمرکز گرایی مدیریت دولتی" بر بازنشستگی را باید در شکل نگرفتن بخش خصوصی برای تامین منابع بازنشستگی جستجو کرد. در واقع سیاست های مالی دولت درقبال صندوق‌های بازنشستگی با توجه به تمرکز گرایی دولتی، در افق زمانی بلندمدت موجب وابستگی صندوق ها به دولت، و انباشت تعهدات برای نسل های آینده است. بنابراین، از منظر تمرکزگرایی دولتی و تاثیر آن بر بازنشستگی و تعهدات آینده، می‌توان مدعی شد که "توسعه

اقتصادی" این گفتمان تک سویه است. یعنی تغییرات و تحولات و روندهای آینده، در آن مد نظر قرار نگرفته است.

بازنشستگی در گفتمان اصلاحات (برنامه سوم و چهارم توسعه)

تمرکز بر توسعه اقتصادی در گفتمان سازندگی، موجب پدیدار شدن دال‌های خالی از نوع مطالبات سیاسی گردید. با افزایش تقاضاهای سیاسی و آزادی، فضای سیاسی و اجتماعی کشور به سمتی رفت، که دال مرکزی گفتمان سازندگی، یعنی توسعه اقتصادی به تدریج دچار تزلزل گردید و زمینه را برای ظهور و تکوین گفتمان جدیدی موسوم به اصلاحات مهیا گردید. دوره گفتمان اصلاحات از خرداد 1376 با ریاست جمهوری سید محمد خاتمی آغاز و تا سال 1384، ادامه یافت. ریشه شکل‌گیری گفتمان اصلاح طلبی را می‌توان استقبال طبقات جدید شهری، روشنفکران، دانشگاهیان، زنان، و جوانان از دال‌هایی از نوع آزادی و جامعه مدنی (دال‌های خالی و نشانه کمبود گفتمان سازندگی) محسوب کرد [10]. پایگاه اجتماعی این گفتمان عبارت بود از طیفی وسیع از طبقات متوسط جدید و مدرن، بخشی از نیروهای موسوم به چپ سنتی (مجمع روحانیون مبارز و...) و نیروهای جدید مثل جبهه مشارکت، و کارگزاران درون دولت [4]. تحلیل سخنرانی‌های خاتمی (به عنوان رییس دولت اصلاحات)، نشان می‌دهد که از مجموع مضامین گفتارهای خاتمی (1451)، 50 درصد مضامین به مقوله توسعه سیاسی اختصاص دارد که مرتبه اول و مهم‌ترین هدف ایشان را تشکیل می‌دهد [4]. خاتمی در اولین سالگرد دوم خرداد در سال 1377، دوم خرداد حماسه حضور مردم در انتخابات، و سوم خرداد که آزاد سازی خرمشهر است، را همسان سازی می‌کند، و بر ملازمت دین و عدالت و آزادی تاکید می‌ورزد [14]. ایشان در سخنرانی مربوط به لایحه برنامه سوم توسعه، مهم‌ترین وظیفه را سیر به سوی جامعه‌ای عادل و فاضل و مستقل می‌داند که لازمه این سیر، برنامه جامع، با ویژگی‌های حاکمیت قانون، مشارکت جویی و... است [15]. او در مراسم تحلیف دوره دوم ریاست جمهوری، با توجه به جایگاه فاعلی مخاطبان، مجموعه نظام و کارگزاران را برای استقرار و نهادینه شدن گفتمان مورد نظر خود مورد مخاطب قرار می‌دهد [16].

با توجه به مطالب فوق، می‌توان مدعی شد که گفتمان اصلاح طلب تلاش کرده است تا توسعه سیاسی و جامعه مدنی را که مهم‌ترین دال تهی و نشانه کمبود در گفتمان سازندگی به‌شمار می‌رفت، به عنوان دال برتر و نشانه مرکزی انتخاب نماید، بنابراین نشانه‌ی " توسعه سیاسی" در درون گفتمان اصلاح طلب، آن نقطه بلورینه شده‌ای¹ است که سایر نشانه‌های مهم این گفتمان از قبیل "جامعه مدنی"، "اصلاحات"، "آزادی"، "قانون‌گرایی"، "مردم سالاری" و "مشارکت و حق رای"، حول این نشانه درخشان مفصل بندی معنایی شده‌اند. بر همین اساس شرط حل مشکلات کشور اعم از اقتصادی، اجتماعی و غیره مبتنی بر توسعه سیاسی است. در واقع این گفتمان تلاش می‌کند تا پیشبرد برنامه‌های کشور را نه از درون یک دولت اقتدارگرا، بلکه از طریق نهادهای مدنی، مشارکت شهروندان و در یک کلام جامعه مدنی محقق سازد.

¹ -Crystallized

بنابراین لازم است تا همه اقدامات و برنامه‌های این دوره را با توجه به این نشانه مرکزی و درخشان، یعنی توسعه سیاسی تفسیر کرد.

در این دوره، برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به تصویب رسید. برنامه سوم توسعه شامل 3 بخش، 26 فصل و 199 ماده که برای اجرا در مدت 5 سال (1383-1379)، تهیه گردید را باید یکی از مفصل‌ترین قوانین توسعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. بررسی‌های به‌عمل آمده حاکی از آن است که از میان برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، برنامه سوم، در مقایسه با دو برنامه توسعه قبلی، با اهتمام بیشتر، موشکافانه‌تر و برنامه‌ریزی شده‌تر به مقوله بازنشستگی نگریسته است؛ چرا که در این برنامه برقراری «نظام جامع تأمین اجتماعی»¹، (که در برگیرنده مباحث پیرامون بازنشستگی نیز می‌باشد) به عنوان یکی از خط‌مشی‌های اساسی و دال خالی گفتمان پیشین، برجسته‌سازی شده است؛ به طوری که می‌توان از آن به‌عنوان یکی از نشانه‌های مهم در برنامه سوم توسعه یاد کرد.

جدول 3- بازنشستگی در قانون برنامه سوم توسعه

ردیف	برنامه توسعه	ماده	مضمون
1	برنامه سوم	3(بند ز)	تاکید بر تکلیف دولت و افزایش حقوق بازنشستگان و مستمري بگیران متناسب با تورم و پرداخت دیون بازنشستگی ناشی از تفاوت تورم با حقوق
2	برنامه سوم	27	تحت پوشش قرار گرفتن کارکنان شرکت‌های دولتی که به بخش خصوصی واگذار می‌شوند توسط صندوق بازنشستگی
3	برنامه سوم	36	دراجرای اصل 29 برای توسعه عدالت اجتماعی، نظام جامع تأمین اجتماعی با هدف حمایت از اقشار مختلف جامعه (از جمله بازنشستگی) مطرح می‌شود.
4	برنامه سوم	37(بند الف)	بازنشستگی به‌عنوان یکی از خدمات بیمه همگانی تأکید بر مشارکت بیمه شده، کارفرما، و دولت، تعیین حدود فعالیت متناسب با حق بیمه دریافتی، توان مالی سازمان های بیمه-ای و میزان کمک های دولتی
5	برنامه سوم	37(بند ب)	تعریف خدمات همگانی بازنشستگی

1 - از منظر تاریخی، پایه‌های این طرح، نخستین بار با لایحه بیمه‌های اجتماعی کارگران در دوم بهمن 1331 در دوره حکومت ملی زنده یاد دکتر محمد مصدق تصویب شد و در پی آن با کمک «دفتر بین المللی کار» نخستین سازمان مستقل «سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران» در ایران شکل گرفت.

توجه بر امکان افزایش خدمات قابل ارایه به بیمه شدگان و تاکید بر جلوگیری از بروز بحران مالی در سازمان های بیمه ای و تقویت بنیه مالی	39	برنامه سوم	6
پرداخت بدهی های دولت به سازمان های بیمه ای از محل واگذاری سهام شرکت های دولتی و تادیه بدهی ها	39(بند الف)	برنامه سوم	7
در صورتی که نرخ رشد دستمزد در دو سال آخر خدمت بیش از نرخ طبیعی باشد، دریافت مابه التفاوت میزان کسور نسبت به دستمزد واقعی و دریافت خسارات وارده بر سازمان تامین اجتماعی	39(بند ب)	برنامه سوم	8
پرداخت مستمری به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه به بازمانده فوت شده ای که بین ده تا بیست سال حق بیمه پرداخت کرده است	39(بند ج)	برنامه سوم	9
ادغام سازمان بیمه ارتش، سپاه نیروی انتظامی، وزارت دفاع در نظام تامین اجتماعی نیروی مسلح به منظور انسجام و صرفه جویی هزینه ها	174	برنامه سوم	10

در این نظام معنایی، نشانه‌هایی شامل، تکلیف دولت نسبت به حمایت از بازنشستگان در مقابل تورم، گسترش بازنشستگی، نظام جامع تامین اجتماعی، پرداخت دیون دولت، تناسب خدمات با امکانات، جلوگیری از بحران های مالی صندوق ها، تقویت بنیه مالی صندوق ها، جلوگیری از تحمیل بار بر صندوق ها و حمایت از گروه های آسیب پذیر نمود پیدا کرده است. در توضیح نشانه‌ها باید گفت، که "نظام جامع تامین اجتماعی" در گفتمان قبلی، نوعی دال تهی و کمبود محسوب می شود، که در این دوره این دال برجسته می شود. برجسته سازی نشانه حمایتی "نظام جامع" به این دلیل است که در منظر گفتمان اصلاحات، اجرای اصل 29 نیازمند نظامی جامع و فراگیر تلقی شده است، از طرف دیگر نهادسازی، خود مرحله ای است برای نیل به جامعه مدنی و توسعه سیاسی. با توجه به این که در دوران تسلط گفتمان سازندگی و برنامه دوم توسعه، فشارهای تورمی شدیدی بر اقشار جامعه از جمله بازنشستگان وارد شد، در زمینه حمایت از این اقشار در مقابل تورم دال خالی و نوعی کمبود در گفتمان پیشین ایجاد گردید، که گفتمان اصلاحات با گنجاندن مواد حمایتی در برنامه سوم تلاش کرد تا دال "حمایت از بازنشستگان در مقابل تورم" را برجسته سازد. پرداخت دیون دولت به صندوق ها، گسترش شمول بازنشستگی از جمله نشانه های حمایتی است و ادغام های نهادی نشانه دیگری است که در راستای نظام جامع و ساختن نهادی مطرح شده است.

شایان ذکر است که برای اولین بار نشانه های اقتصادی و بیمه ای از قبیل داشتن دغدغه نسبت به تعادل بین منابع و مصارف صندوق ها، پایداری صندوق ها در گفتمان اصلاحات و در قالب برنامه سوم مطرح شد. ظهور این نشانه ها حتی در سطح قانون (بدون توجه به اجرایی شدن آنها)، خود حائز اهمیت است، چرا که تجلی نشانه های اقتصادی نسبت به تعادل منابع و مصارف، گویای این است که دغدغه های جدیدی (علاوه بر

دغدغه‌های حمایت از بازنشستگان) در عرصه سیاست گذاری عمومی در زمینه بازنشستگی وارد شده است. نشانه‌های مهم که جنبه بیمه‌ای و اقتصادی دارند و دال خالی و کمبود گفت‌وگوهای پیشین به‌شمار می‌روند عبارت‌اند از "افزایش خدمات به بیمه شدگان متناسب با امکانات"، "ضرورت جلوگیری از بروز بحران‌های مالی"، "تقویت بنیه مالی صندوق‌های بازنشستگی"، "جلوگیری از تحمیل بار ناشی از افزایش نرخ غیر طبیعی حقوق دو سال آخر و جبران خسارت" است. از نشانه‌های مهم محسوب می‌شود. بررسی نشانه‌های اقتصادی - بیمه‌ای در برنامه سوم بازگو کننده تأییدپذیری این گفت‌وگوها از شرایط اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی حاکم بر کشور در آن برهه زمانی است. در توضیح تجلی نشانه‌های اقتصادی در برنامه سوم، باید گفت که تمرکز گفت‌وگوهای پیشین بر جنبه‌های حمایتی، باعث شد تا دال‌های خالی از نوع تعادل منابع و مصارف، توازن مالی صندوق‌ها، تحمیل بار بر صندوق‌ها مطرح شود. تقلیل و حذف جنبه‌های اقتصادی بازنشستگی، و تثبیت جنبه حمایتی بر دال بازنشستگی در گفت‌وگوهای قبل، موجب بروز بحران‌های مالی در صندوق‌ها شده و عواملی دیگر از قبیل کاهش درآمدهای نفتی دولت اصلاح طلب در سال 1377، شرایط را برای برجسته‌سازی دال‌های اقتصادی در برنامه سوم آماده کرد. در توضیح نشانه‌ی جلوگیری از تحمیل بار بر بودجه ناشی از افزایش غیر طبیعی حقوق، باید خاطر نشان کرد که مبنای 2 سال آخر خدمت برای محاسبه حقوق بازنشستگی، منجر به تلاش‌های نامتعارف از قبیل دریافت مدارک متعدد، رقابت در کسب پست‌های بالاتر به منظور بهره‌مندی از مزایای بازنشستگی بالاتر صورت می‌گردد، که نتیجه آن بالا رفتن نرخ غیر طبیعی حقوق در دو سال آخر خدمت بود. بنابراین دولت اصلاحات با توجه به عوامل بیان شده، درصدد برآمد که جلوی تحمیل بار بر صندوق‌ها را که ناشی از افزایش غیر طبیعی حقوق است را بگیرد. بررسی‌های صورت گرفته به منظور آشنایی با مقوله بازنشستگی در گفت‌وگوهای اصلاحات، تکمیل نمی‌گردد مگر اینکه در کنار برنامه سوم، چهارمین برنامه توسعه کشور را نیز مورد مطالعه قرار داد.

جدول 4 - بازنشستگی در قانون برنامه چهارم توسعه

ردیف	برنامه توسعه	ماده	مضمون
1	برنامه چهارم	96	تاکید بر تکلیف دولت در اجرای اصل 29 بر اساس نظام جامع تأمین اجتماعی، افزایش پوشش جمعیتی و تأمین هزینه مالی گسترش خدمات تأمین اجتماعی
2	برنامه چهارم	96(بند الف)	افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی با توجه خاص به روستائیان، عشایر و شاغلین شهری که تاکنون تحت پوشش نبوده‌اند
3	برنامه چهارم	96(بند هـ)	بازپرداخت بدهی دولت به سازمان‌های بیمه‌ای و تسویه کل بدهی‌ها، و جلوگیری از ایجاد بدهی جدید

تغییر در مبانی محاسباتی صندوقهای بیمه‌ای با توجه به تغییرات و روندهای صعودی شاخص‌های جمعیتی امید به زندگی، و لزوم پایداری صندوق‌های، و استفاده از تجربه جهانی در محاسبات بیمه‌ای	96(بند ز)	برنامه چهارم	4
در صورتی که نرخ رشد دستمزد در دو سال آخر خدمت بیش از نرخ طبیعی باشد، دریافت مابه‌التفاوت میزان کسور نسبت به دستمزد واقعی، و دریافت خسارات وارده بر سازمان تامین اجتماعی	96(بند ح)	برنامه چهارم	5

نتایج حاصل از تحلیل گفتمان برنامه چهارم توسعه حاکی از آن است که نشانه‌های حمایتی مثل «تاکید بر تکلیف دولت در افزایش پوشش جمعیتی» و «افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی بویژه روستاییان و عشایر»، «الزام قانونی برای دولت در پرداخت بدهی» و «تامین هزینه‌های مالی گسترش خدمات تامین اجتماعی از طرف دولت»، حول نظام جامع تامین اجتماعی که خود نوعی نهادسازی برای جامعه مدنی است، برجسته شده‌اند. در کنار نشانه‌های حمایتی، نشانه‌های مهم دیگری نیز که جنبه اقتصادی، و بیمه‌ای دارند در ادامه برنامه سوم، در برنامه چهارم نیز، برجسته شده است مدلول‌هایی از قبیل «جلوگیری از ایجاد بدهی‌های جدید»، «پرداخت مستمری بازنشستگی بر مبنای نرخ رشد طبیعی دستمزدها» و «استرداد منابع مالی پرداختی بیش از میزان مقرر»، «اصلاح مبانی محاسباتی بیمه‌ای با توجه به روند‌های امید به زندگی»، «لزوم پایداری صندوق‌ها» و «بهره‌مندی از تجارب جهانی در اصلاحات بازنشستگی» را برای معناداری خود در فضای گفتمانی حاکم بر کشور که گفتمان حاکم بر برنامه چهارم توسعه نیز بوده، تعریف نموده است. با توجه به این که توسعه سیاسی و جامعه مدنی، دال مرکزی و درخشان‌ترین دال گفتمان اصلاحات به‌شمار می‌رود، بنابراین تمام برنامه‌های این دوره را با توجه به این نشانه مرکزی و اصلی باید تفسیر شود. در نتیجه، نشانه و دال مرکزی گفتمان بازنشستگی، «گذار به جامعه مدنی» است. بدین ترتیب همه نشانه‌های حمایتی و نشانه‌های اقتصادی-بیمه‌ای، حول این دال اصلی، یعنی گذار به جامعه مدنی مفصل‌بندی شده و نظام معنایی جدیدی را شکل می‌دهند. یعنی برنامه‌های دوره اصلاحات با توجه به نشانه مرکزی و بلورینه شده آن، معنا می‌شود. اگرچه نشانه‌های حمایتی گفتمان پیشین ادامه یافته است، اما باید این برجسته‌سازی حمایتی را در نسبت با نشانه اصلی گفتمان اصلاحات یعنی برای «توسعه سیاسی» و «نیل به جامعه مدنی» تفسیر کرد. در واقع این نشانه‌های حمایتی بر گرفته از گفتمان‌های جامعه مدنی است. به عبارت دیگر رویکردهای حمایتی با شدت و گستره بیشتری ادامه یافته است اما نه در نظام معنایی «توسعه اقتصادی» بلکه در بستر معنایی «توسعه سیاسی» و به منظور نیل به جامعه مدنی، برجسته شده است. یعنی تغییر مفصل‌بندی نشانه‌های حمایتی و بیمه‌ای منجر به شکل‌گیری نظام معنایی جدیدی گریده است، که سیاست‌های بازنشستگی همسو با آن جهت دهی شده است. بنابراین در راستای پاسخ به سؤال تحقیق، که مفهوم بازنشستگی در گفتمان‌های پس از انقلاب چگونه بازنمایی شده است؟ یافته‌ها حاکی از این است که

بازنشستگی در دوره اصلاحات با توجه نشانه اصلی آن یعنی توسعه سیاسی، به معنای " گذار به جامعه مدنی" بازنمایی شده است، که نشانه‌های حمایتی و اقتصادی- بیمه‌ای حول این دال مرکزی مفصل‌بندی شده، و مفصل‌بندی بازنشستگی را شکل می‌دهد.



شکل 3 - مفصل بندی بازنشستگی در گفتمان اصلاح طلبی (برنامه سوم و چهارم)

بررسی موارد اقتصادی و بیمه‌ای مندرج در برنامه سوم و چهارم توسعه بازگو کننده تاثیرپذیری گفتمان بازنشستگی از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برهه زمانی طرح این برنامه‌ها بوده است. چرا که، اصلاح سیاست‌ها و نظام‌های بازنشستگی (منطق محاسباتی، پارامترها، و غیره) نظیر سامانه‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی دارای مبانی نظری خاصی هستند که در دهه‌های اخیر به دلیل تأثیر تحولات جدی در شاخص‌های امید به زندگی، ترکیب جمعیتی و روند پیر شدن جمعیت، متحول شده‌اند. مباحث این حوزه در محافل علمی و دانشگاهی در سراسر جهان گرم تر شده و زنگ هشدار را به صدا در آورده که دیگر کمتر کشوری را حتی در گروه کشورهای کمتر توسعه یافته از قبیل ایران، می‌توان یافت که از این خطر جدی در آینده نزدیک غافل باشد و به نوعی درگیر اصلاحات در نظام بازنشستگی خود نباشد.¹

¹ - اساساً سیاست‌گذاران نظام بازنشستگی در ایران با این هشدار جهانی در سال‌های (1382 - 1381) مصمم به بررسی وضعیت نظام بازنشستگی در ایران شدند و در همین راستا بود که هیأت کارشناسی بانک جهانی به دعوت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سابق) برای بررسی وضعیت نظام بازنشستگی در ایران و ارائه پیشنهادهای اصلاحی وارد تهران شد. مطالعات این هیأت هر چند همه جانبه و کامل نبود، اما فرصتی را برای طرح چالش‌ها و فرصت‌های نظام بازنشستگی در ایران فراهم آورد. نیاز به ارتقای ظرفیت علمی دست اندرکاران و کارشناسان بخش تأمین اجتماعی و بیمه‌های بازنشستگی چه در نهادهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و چه در نهادهای اجرایی در این مطالعات بیش از پیش، آشکار شد.

در ارزیابی انتقادی گفتمان دوران اصلاحات باید عنوان کرد که این گفتمان نیز بسیاری از معناهای با ارزش دال بازنشستگی را به یک معنا، تقلیل داده است. به عنوان مثال قانونی کردن افزایش حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران با مطابق با نرخ تورم از مصادیق تقلیل معنا است. اگر چه حمایت از بازنشستگان و مستمری و شرایط واقعی کشور، از مواردی است که نادیده گرفته شده است. با توجه به شرایط اقتصاد تورمی، معلوم نیست که تطابق حقوق با تورم تا چه حدی مطابق با عدالت است. در واقع برجسته‌سازی معنایی در این گفتمان تک سوپیه است چراکه به بهای منابع بین نسلی، نسل درحال حاضر مورد حمایت قرار گرفته می‌شود. اگرچه نشانه‌های حاکی از وجود دغدغه‌های اقتصادی مثل تعادل منابع و مصارف در این گفتمان برجسته شده است، و این خود ارزشمند است، اما این برجسته‌سازی نسبت به منابع، و تحولات آینده عمدتاً واکنشی بوده است، نه کنش‌گرانه. یعنی پس از بروز تبعات سیاست‌های حمایتی بدون پشتوانه، بحران صندوق‌ها، افزایش وابستگی صندوق‌ها به بودجه عمومی است که نشانه‌های اقتصادی و توجه بر آینده در این گفتمان (در سطح قوانین) نمود پیدا کرده در همان سطح متوقف شده است.

بازنشستگی در گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه (برنامه پنجم توسعه)

تمرکز بر توسعه سیاسی و تصلب معنایی در گفتمان اصلاح‌طلب، موجب پدیدار شدن دال‌های خالی از نوع اقتصادی از قبیل فقرزدایی، و رفع بیکاری، دسترسی مردم به ثروت و منابع، عمران و آبادی مناطق کمتر توسعه یافته گردید. با تشدید مشکلات اقتصادی مردم و افزایش مطالبات اقتصادی، و فعالیت جناح‌های رقیب، فضای سیاسی و اجتماعی کشور به سمتی رفت، که دال مرکزی گفتمان اصلاحات، یعنی توسعه سیاسی بتدریج دچار تزلزل، و زمینه برای ظهور و تکوین گفتمان جدیدی موسوم به "اصول‌گرایی عدالت خواه یا پیشرفت و عدالت" مهیا گردید. دوره این گفتمان با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد از 1384 تا سال 1392 ادامه یافت. ریشه شکل‌گیری گفتمان اصول‌گرایی را می‌توان استقبال مردم بویژه طبقات مستضعف جامعه از دال‌های جذابی که ریشه در نگرش اقتصادگرایانه داشتند، دانست [1]. دال‌هایی از قبیل فقر زدایی، امکان دسترسی مردم به ثروت و منابع کشور، رفع بیکاری، عمران و آبادی که در گفتمان اصلاحات به عنوان دال‌های خالی و نشانه‌های کمبود محسوب می‌شد. لازم به بیان است، که در این دوره تلاش شده است تا گفتمان انقلاب¹ از طریق مفصل‌بندی ارزش‌های اسلامی و انقلابی مثل ساده زیستی، خدمت رسانی به فقرا، و مهرورزی به محرومین، بازتولید شود [همان].

احمدی‌نژاد در تاریخ 26 شهریور، 1384 در سازمان ملل، به عنوان رئیس جمهور ایران که حدود یکماه از ریاست جمهوری او می‌گذشت، دلیل این که چرا خداوند انسان را در روی زمین قرار داده است، را بسط

1 - گفتمانی که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 در ایران حاکم شد و از آن تحت عنوان گفتمان غالب یا مادر نام برده می‌شود که همچنان بر فضای سیاسی و اجتماعی ایران سایه گسترده؛ بطوریکه دیگر گفتمان‌های طرح شده در جمهوری اسلامی ایران در طول بیش از سه دهه‌ای که از پیروزی انقلاب می‌گذرد را در مقایسه با گفتمان انقلاب، خرده گفتمان قلمداد می‌نمایند.

عدالت بیان می‌کند [17]. او در سخنرانی دوم، در بین نمایندگان مجلس که برگزار شد، و حدود هفت سال از ریاست جمهوری او می‌گذشت، بر تعهد مشترک دولت و مجلس برای عدالت، خدمت و... تاکید می‌ورزد، او طرح هدفمندی یارانه‌ها را موجب توزیع عادلانه ثروت، خنثی‌سازی تحریم‌ها، ... و سرانجام ریشه کنی فقر می‌داند [18]. ایشان در سفر استانی به اصفهان برپایی عدالت را سخت‌ترین مرحله کار انبیاء و ائمه دانستند، دلیل شهادت حضرت امیر (ع) را پافشاری بر عدالت ذکر کرده، و ستون فقرات حکومت علوی را عدالت دانستند، همچنین از نظر ایشان مهمترین دشمنی مستکبران را با عدالت است، بر همین اساس ماموریت او ودولتش بر افراشتن پرچم عدالت و زمینه سازی برای استقرار عدالت در جهان و حاکمیت امام عصر (عج) است [19].

با بررسی متن لایحه هدفمندی یارانه‌ها، می‌توان پی برد که پیش فرض‌های اصلی این متن این است که پرداخت یارانه غیر نقدی به نفع طبقات درآمدی بالا است و در عین حال به زیان طبقات کم درآمد بوده، بنابراین پرداخت یارانه غیر نقدی موجب گسترش بی عدالتی است. در واقع می‌توان دریافت که این پیش-فرض پرداخت یارانه به صورت نقدی این است که ذخیره ارزی و درآمدهای دولت افزایش و در سطح جامعه نیز عدالت گسترش می‌یابد [23].

با توجه به مطالب فوق، می‌توان مدعی شد که گفتمان موسوم به اصول‌گرایی عدالت‌خواه تلاش کرده است تا عدالت اجتماعی با تاکید بر جنبه‌های اقتصادی آن و به معنای دسترسی همه آحاد و مناطق به منابع و ثروت‌های کشور را که مهم‌ترین دال تهی و نشانه کمبود در گفتمان اصلاحات به‌شمار می‌رفت، به عنوان دال برتر و نشانه مرکزی خود انتخاب نماید. بنابراین، نشانه‌ی "دسترس‌ی یکسان آحاد و اقشار به منابع و ثروت کشور" در درون گفتمان عدالت و پیشرفت، آن نقطه بلورینه شده‌ای است که سایر نشانه‌های مهم این گفتمان از قبیل "مهرورزی"، "خدمت‌رسانی"، "پیشرفت و آبادانی"، "عدالت‌گستری"، "ساده زیستی و مردم‌گرایی" و "مبارزه با مافیای قدرت و ثروت" حول این نشانه درخشان مفصل بندی معنایی شده‌اند. بر همین اساس شرط حل مشکلات کشور اعم از اقتصادی، اجتماعی و غیره مبتنی بر دسترسی یکسان آحاد و اقشار به منابع کشور تلقی شده است. در واقع در این گفتمان، علت اصلی عمده مشکلات موجود در کشور، نه توسعه اقتصادی و تولید، و نه فقدان آزادی‌های مدنی، بلکه "وجود نابرابری در توزیع" تلقی شده است. بر همین اساس، سوژه‌های سیاست‌گذار تحت تاثیر این گفتمان، برای حمایت از اقشار محروم، افزایش حقوق و دستمزد کارمندان، بازنشستگان، بویژه آموزگاران مورد توجه قرار داده اند، در راستای کاهش نابرابر دسترسی به منابع کشور، به عمران و آبادانی مناطق کمتر توسعه یافته پرداخته، برای حمایت از محرومین، مسکن مهر را پایه ریزی کرده، از طریق توزیع (برای نمونه سهام عدالت)، تلاش کرده اند تا عدالت را تحقق بخشند [13] و قاطع‌تر از همه، مبارزه با مافیای ثروت و قدرت (رخنه کرده در بدنه سیاسی کشور) و غارت گران بیت المال را مطرح کرده اند.

برنامه پنجم توسعه، تنها برنامه‌ای است که توسط دولت اصول‌گرای محمود احمدی نژاد و تحت تاثیر شرایط گفتمانی این دوران¹ تدوین گردیده است. این برنامه که در قالب نه فصل و یک ضمیمه تنظیم شده است و رشد همراه با عدالت را مدنظر دارد، به نام برنامه «پیشرفت و عدالت» تغییر نام داده است.² به منظور آگاهی از رویکرد گفتمان عدالت محور احمدی نژاد به مقوله «بازنشستگی»، مواد و بندهای مرتبط با موضوع، در برنامه پنجم مورد بررسی قرار گرفته است؛ مطالعه برنامه پنجم توسعه در حوزه بازنشستگی، حکایت از آن دارد که پانزده مورد از مواد و بندهای این قانون به مقوله مورد بحث پرداخته است که بدین شرح است:

جدول 5 - بازنشستگی در قانون برنامه پنجم توسعه

ردیف	برنامه توسعه	ماده	مضمون
1	برنامه پنجم	26	به دولت اجازه اصلاح ساختار صندوقهای بازنشستگی داده می‌شود تا در راستای ثبات، تعادل بین منابع و مصارف بر اساس کاهش وابستگی صندوق به بودجه عمومی و استفاده از روش های نوین، کاهش حمایت های غیربیمه ای، سازوکارهای وصول حق بیمه و... اقدام نماید. حمایت دولت از صندوق ها و کاهش حمایت های غیر بیمه ای و کاهش وابستگی صندوق ها به بودجه عمومی و...
2	برنامه پنجم	26 (بصره)	اصلاح ساختار صندوق ها از نظر شرایط احراز، نظام بازنشستگی، تعیین مشاغل سخت، افزایش سنوات و ...
3	برنامه پنجم	27	استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی چند لایه شامل حمایتی توانمندساز، بیمه های اجتماعی مستمری ها و بیمه درمان، بیمه های مکمل بازنشستگی و درمان
4	برنامه پنجم	28 (بند الف)	ایجاد صندوقهای بازنشستگی خصوصی برای شرایط رقابتی و جلوگیری از انحصار
5	برنامه پنجم	28 (بند ب)	مجاز بودن بیمه شدگان (به استثناء نیروی مسلح و وزارت اطلاعات) به تغییر صندوق با رعایت الزامات محاسبات بیمه ای

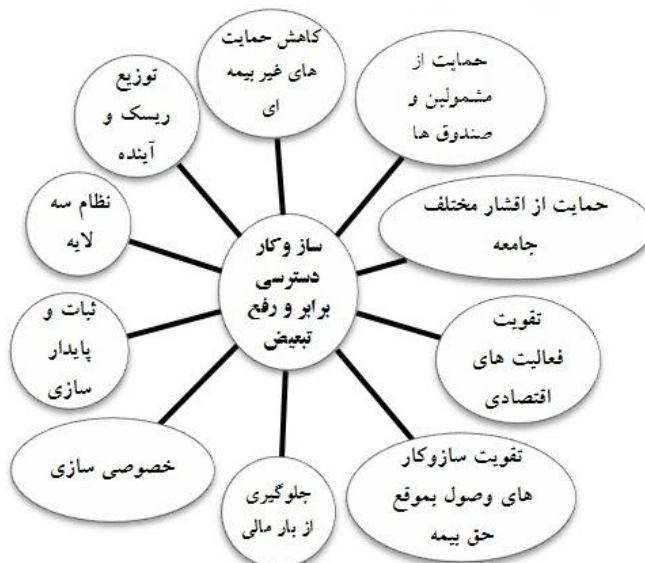
- 1- در ایران بعد از انقلاب منظور از اصولگرایی، جریان سیاسی است که ضمن پابندی به اصول و مبانی انقلاب و نظام، وفاداری به خط بنیانگذار انقلاب اسلامی و ولایت فقیه، نسبت به روند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوجود آمده پس از انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد 1376 انتقاد و اعتراض داشته و خواهان تغییر این روند در جهت اهداف و آرمان های اصیل انقلاب است.
- 2- فصول نه گانه برنامه پنجم توسعه عبارتند از: فرهنگ اسلامی - ایرانی، علم و فناوری، اجتماعی، نظام اداری و مدیریت، اقتصاد، توسعه منطقه‌ای، امور دفاعی، امنیتی و سیاسی، امور قضایی و حقوقی، بودجه و نظارت، شایان ذکر است، این برنامه یک ضمیمه نیز دارا می‌باشد که تحت عنوان احکام برنامه پنجم توسعه - بخش حقوقی و قضایی، نامگذاری شده است.
- 3 - برنامه پنجم توسعه، دومین برنامه توسعه‌ای می‌باشد که باید کشور را در رسیدن به نیمه راه اهداف تعیین شده در سند چشم انداز بیست ساله کشور برساند.

6	برنامه پنجم	28(بند هـ)	افتتاح حسابهای انفرادی خصوصی به منظور برقراری بیمه تکمیلی
7	برنامه پنجم	28(بند و)	مستمری بازنشستگی ایثارگران، و بهره مندی آنان از صندوق های بازنشستگی بطور مستقل (حمایت از ایثارگران بازنشسته)
8	برنامه پنجم	29	کلیه طرح های بازنشستگی از سوی مقامات در صورتی قابل اجرا است که بار مالی آن قبلا محاسبه و در قانون بودجه کل و بودجه سالیانه تامین اعتبار شده باشد. تحمیل کسری بودجه به دولت غیر قابل پذیرش است (جلوگیری از تحمیل بار بر بودجه عمومی ناشی از طرح های بازنشستگی)
9	برنامه پنجم	30	حمایت بیشتر از مشمولین - صندوق های بازنشستگی کارکنان در صورت انتقال، بازخریدی، اخراج و... می توانند مشمول صندوق بازنشستگی باشند
10	برنامه پنجم	31	اگر نرخ رشد حقوق دو سال آخر غیر طبیعی باشد، صندوق مکلف است دستمزد پنج سال آخر را مبنای محاسبه قرار دهد (نظارت بیشتر بر پرداخت مستمری بازنشستگی).
11	برنامه پنجم	44(بند ک)	امکان بازگشت آزادگان به خدمت برای تکمیل سنوات خدمت سی ساله (حمایت از آزادگان)
12	برنامه پنجم	45	حمایت از بازنشستگان ایثارگران از طریق معافیت ایثارگران از پرداخت ما به التفاوت انتقال سوابق
13	برنامه پنجم	50(بند ج)	رفع نابرابر بین بازنشستگان از طریق اعمال ضریب مصوب دولت برای بازنشستگان
14	برنامه پنجم	59	پوشش بازنشستگی مشمولین قانون تأمین اجتماعی و تابعیت آنها از هر جهت (بازنشستگی، مزایا، اصلاحات و...)
15	برنامه پنجم	65(بند ب)	ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان مگر در موارد استثناء (هیات علمی، ایثارگران، فرزندان شهداء و فرزندان جانباز 70 درصدی)

در برنامه پنجم نیز دو نوع نشانه دیده می‌شود، نشانه‌های حمایتی، و نشانه‌های اقتصادی - بیمه ای. مدلول - های سازگار با معانی حمایتی شامل، " گنجاندن رکن حمایتی در نظام سه رکنی بازنشستگی " ، " ارتقاء کیفی خدمات به بازنشستگان از طریق تحریک شرایط رقابتی " ، " مجاز شمردن بیمه شدگان به تغییر صندوق ها " ، " برقرار بیمه مکمل " ، " حمایت از ایثارگران در بهره مندی مستقل از صندوق ها " ، " حمایت از مشمولین در صورت انتقال، بازخریدی، اخراج و غیره " ، " حمایت از آزادگان " ، " رفع نابرابری بین بازنشستگان " و " پوشش بیشتر بازنشستگی ". در توضیح نشانه‌های حمایتی، باید گفت که آنها در راستای حمایت از اقشار محروم، خدمت رسانی به محرومین و فراهم‌سازی شرایط برای دسترسی افراد و اقشار به منابع کشور در راستای نشانه مرکزی گفتمان عدالت و پیشرفت قرار دارد. اما در کنار نشانه‌های حمایتی، نشانه‌های اقتصادی - بیمه ای نیز در برنامه پنجم نمود پیدا کرده است. مدلول‌های سازگار با معانی اقتصادی - بیمه‌ای

در برنامه پنجم، عبارت‌اند از " ساختار سه رکنی پیشنهادی بانک جهانی"، " کاهش حمایت های غیربیمه ای"، " انتقال حمایت های غیر بیمه ای به نهادهای حمایتی"، " تقویت سازکارهای وصول به موقع حق بیمه ها"، " تقویت فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری"، " جلوگیری از بار مالی تعهدات جدید"، " استفاده از روش های نوین برای بازنشستگی"، " تفکیک لایه های حمایتی و بیمه ای مجزا از هم"، " صندوق های خصوصی و رقابت"، " اصلاح محاسبات فنی"، " ثبات و پایداری مالی صندوق ها" است. در توضیح نشانه های از نوع اقتصادی-بیمه ای که در برنامه پنجم تجلی پیدا کرده است، باید به برخی عوامل داخلی و خارجی اشاره کرد، که زمینه سازی تجلی آنها در سطح قانون برنامه پنجم بوده اند. در بعد داخلی استمرار سیاست های حمایتی از قبیل گسترش شمول بازنشستگی در کشور بدون توجه به منابع صندوق ها، کاهش سن بازنشستگی، و بازنشستگی زود هنگام، باعث شد تا هویت اقتصادی صندوق ها ناپود، و صندوق ها دچار بحران مالی شوند، که سرانجام آنها وابستگی به منابع عمومی و کمک های دولتی بوده است. در بُعد بین المللی نیز باید به عدم اطمینان از تحقق درآمدهای نفتی به دلیل تحریم اقتصادی اشاره کرد. برآیند این تحولات و تاثیرپذیری از نهادهای بین المللی از قبیل بانک جهانی باعث شد تا این نشانه ها سرانجام از دید گفتمان عدالت و پیشرفت دور نماند و حداقل در متن برنامه، گنجانده شود.

بنابراین در راستای پاسخ به سوال تحقیق، که مفهوم بازنشستگی در گفتمان های پس از انقلاب چگونه بازنمایی شده است؟ یافته ها حاکی از این است که بازنشستگی در دوره عدالت و پیشرفت با توجه نشانه اصلی آن یعنی دسترسی یکسان افراد به منابع و ثروت کشور، به معنای " سازوکار دسترسی به برابر و رفع تبعیض"، بازنمایی شده است که نشانه های حمایتی و اقتصادی- بیمه ای حول این دال مرکزی مفصل بندی شده، و مفصل بندی بازنشستگی را شکل می دهد.



شکل 4 - مفصل بندی بازنشستگی در گفتمان عدالت پیشرفت (برنامه پنجم توسعه)

در بررسی انتقادی گفتمان موسوم به اصول‌گرایی عدالت خواه و یا گفتمان عدالت و پیشرفت، باید گفت که این گفتمان، دال عدالت را به مدلول " برابری در دسترسی به منابع" یا " برابری در توزیع"، تقلیل داده است. اما مهم‌ترین نارسایی این گفتمان به حاشیه رانی مصادیقی مهمی از قبیل نسل‌های آینده و عدالت بین نسلی است. اگر چه نشانه‌های اقتصادی - بیمه‌ای در برنامه پنجم نمود پیدا کرده است، اما لازم به توضیح است که این معناهای اقتصادی و بیمه‌ای از دال مرکزی این گفتمان یعنی دسترسی یکسان به منابع کشور، سرریز نشده است، بلکه محدودیت‌های درآمدی و فشارهای اقتصادی، عامل اصلی رانش آنها به برنامه‌ها بوده است. در صورت دسترسی به منابع درآمدی، این نشانه‌ها عملاً کم رنگ می‌شوند.

4- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تامین اجتماعی با زیرشاخه‌های متعدد خود از قبیل بازنشستگی، همواره در طول حیات نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه بوده و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور در طول بیش از سه دهه گذشته جایگاهی ویژه داشته است؛ گواه این مدعا، متون برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به-عنوان سیاست‌ها و برنامه‌هایی کلان و راهبردی در کشور می‌باشد که تبصره‌ها و موادی پیرامون این موضوع را در خود جای داده است. اما، این نکته شایان ذکر است که، تامین اجتماعی و زیرمجموعه‌های آن، از جمله بازنشستگی، در هر فضای گفتمانی، متناسب با هر گفتمان سیاسی و اجتماعی هژمونیک یافته در کشور، معنا و مفصل‌بندی ویژه خود را داشته است که بازگو کننده رویکردهای مختلف و گاهاً متضاد از سوی هر گفتمان به این مقوله است. گواه این مدعا، نتایج حاصل از تحلیل گفتمان متون برنامه‌های توسعه کشور پیرامون موضوع بازنشستگی بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که مفاهیمی از قبیل تامین اجتماعی و بازنشستگی در گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب، به لحاظ تحلیل گفتمانی (مضامین، نشانه‌ها، دال‌ها و مدلول و...) یکسان نبوده است، یعنی در هر فضای گفتمان، این مقوله به مثابه دال شناور، بطور متفاوت بازنمایی معنایی شده است و متفاوت بودن این مفهوم در بستر گفتمان‌های مختلف، منجر به جهت‌گیری‌های متفاوتی در سیاست‌های بازنشستگی، و شکل‌گیری آینده‌های گوناگون شده است.

متون تحلیل شده دوران سازندگی نشان می‌دهد که این مفهوم در دوره حاکمیت گفتمان سازندگی با توجه به نشانه اصلی آن، یعنی تولید و توسعه اقتصادی، به معنای پشتوانه بودن برای تولید بازنمایی شده است، که سایر نشانه‌ها را با هدف حمایت از تولید، و یا کاهش تنش‌ها و تلطیف فضای کشور برای نیل به تولید، وارد مفصل‌بندی کرده است. در ارزیابی انتقادی این گفتمان، می‌توان به بروز تناقض و ناسازگاری آن اشاره کرد. دال‌های مثل خصوصی سازی، و تعدیل اقتصادی با برداشت از گفتمان نئولیبرال که بر حداقل سازی دولت تاکید دارد، با دولت محور بودن، تمرکز گرایی مدیریت دولتی و پروژه بودن توسعه اقتصادی مغایرت دارد. همچنین تمرکز گرایی دولتی مانع شکل‌گیری بخش خصوصی و رقابت در بازنشستگی می‌گردد.

رویکرد گفتمان اصلاح طلب توسعه سیاسی بود، در این گفتمان، راه رسیدن به عدالت، کاهش فقر و محرومیت، تولید و توسعه اقتصادی، و سایر ابعاد توسعه، جامعه مدنی در نظر گرفته شده است. در نتیجه، در بستر گفتمان سیاسی و اجتماعی این دوره، نظام معنایی بازنشستگی حول نشانه‌ی "گذار به جامعه مدنی"، شکل گرفته است. بر این اساس، نظام جامع تامین اجتماعی، نهادگرایی، و قوانین متعددی برای شکل گیری نهادهای مدنی، و حمایت از بازنشستگان شکل گرفت. شایان ذکر است که برای اولین بار، در دوره اصلاحات بود که نارسایی‌ها و کاستی‌های گفتمان‌های حمایتی در حوزه بازنشستگی آشکار گردید و دال‌های تهی گفتمان‌های پیشین در زمینه تعادل منابع و مصارف، در برنامه‌های توسعه نمود پیدا کرد. اما با برجسته سازی دال‌های مدنی از قبیل هماهنگی حقوق مستمری با نرخ تورم که مطالبات مردمی را تشدید می‌کرد، عملاً و در صحنه‌های واقعی اجتماعی دال‌های اقتصادی و بیمه‌ای تحت الشعاع قرار گرفت، و دال‌هایی با ارزشی از قبیل تنظیم تعهدات با منابع، کاهش وابستگی صندوق‌ها به بودجه عمومی، مراقبت از منابع بین نسلی، عدالت بین نسلی، جلوگیری از انتقال هزینه‌ها به نسل‌های آینده، حاشیه‌رانی گردید و یا فقط در سطح قوانین مسدود شده، و نتوانسته منشأ مهار انباشت هزینه‌های بازنشستگی و مانع انتقال آنها به نسل‌های آینده گردد.

در دوره گفتمان اصول گرایی عدالت خواه، بیشترین تاکید بر جنبه‌های جذاب اقتصادی عدالت، از قبیل عدالت توزیعی، مهرورزی به فقرا، خدمت رسانی به اقشار ضعیف، عمران و آبادانی مناطق کمتر توسعه یافته می‌گردید. در این دوره شرط حل مشکلات کشور اعم از اقتصادی، اجتماعی و غیره عدالت تلقی می‌شد، و عدالت در این گفتمان به معنای "دسترسی یکسان آحاد، اقشار، و مناطق کشور به منابع و امکانات"، بازنمایی شده است. یافته‌ها حاکی از این است که بازنشستگی در دوره عدالت و پیشرفت با توجه نشانه اصلی آن یعنی دسترسی یکسان افراد به منابع و ثروت کشور، به معنای "سازوکار دسترسی به برابر و رفع تبعیض" بوده است، که نشانه‌های حمایتی و اقتصادی - بیمه‌ای حول این دال مرکزی مفصل‌بندی شده است. تحت تاثیر گفتمان‌های جهانی از قبیل گفتمان بانک جهانی و عوامل داخلی از قبیل بحران‌های مالی صندوق‌های بازنشستگی و وابستگی فزاینده آنها به کمک‌های دولتی، و همچنین عدم اطمینان از تحقق درآمدهای نفتی به دلیل تحریم، نشانه‌های بیمه‌ای و اقتصادی نیز در برنامه پنجم نمود پیدا کرده است، شایان ذکر است با غلبه گفتمان عدالت توزیعی و جذابیت و درخشش دال‌های توزیعی و تحریک مطالبات رفاهی در بازنشستگان، دال‌های اقتصادی و بیمه‌ای در پرتو آنها بی‌فروغ بوده و منشأ مهار انتقال هزینه‌های به نسل‌های آینده نشده است و به دلیل عدم اطمینان از درآمدهای نفتی، و با توصیه‌های کارشناسان در سطح قوانین برنامه توسعه گنجانده شده است.

در مجموع مرور قانون برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که بر دال شناور بازنشستگی، در گفتمان‌های مختلف معناهای گوناگون و گاه متضاد، اما کوتاه مدت تثبیت شده است. دال بازنشستگی علاوه بر مدلول‌های گوناگون از قبیل دسترسی به امکانات کشور، دارای سرشت دوسویه است، در یک سوی این پدیده سالمندان، بازنشستگان، کارمندان، و نسل در حال حاضر جامعه قرار داشته، و در دیگر سوی آن، نسل‌های آینده نیز هستند، که باید لحاظ شوند.

تامل بر یافته‌های این تحقیق، نکات مهم دیگری را مطرح می‌کند از جمله این که گفتمان‌ها می‌توانند آینده‌های گوناگونی در قالب معنا برسانند، و از آنجا که تثبیت معنا نمی‌تواند برای همیشه ثابت بماند، با مطالعه میدان گفتمان که مخزن دال‌های تهی و به حاشیه رانده شده است، می‌توان به تحولات آینده و آینده‌های بدیل پی برد، که البته پاسخ به این پرسش، مجال دیگری می‌طلبد.

References:

منابع:

1. اخوان کاظمی، بهرام، (1389). "گفتمان‌های اجتماعی سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی ایران"، سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
2. برزین، سعید، (1377). "جناح بندی‌های سیاسی در ایران از دهه 1360 تا دوم خرداد 1376"، چاپ دوم، نشر مرکز.
3. بشریه، حسین، (1381). "دیبچه برجامه شناسی سیاسی ایران"، نشر نو، چاپ اول.
4. حسین زاده، محمد علی، (1382). "بررسی تحول مواضع دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران.
5. حسین زاده، محمدعلی، (1386). "گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران"، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
6. روغنی زاده، مصطفی، (1384). "تحلیل ریاضی بر وضعیت صندوق‌های بازنشستگی ایران و طراحی سیستم بهینه"، سازمان بازنشستگی کشوری.
7. سلطانی، سید علی اصغر، (1391). "قدرت گفتمان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)"، نشر نی.
8. شکوری، مرتضی، (1388). "آثار تغییرات ساختار سنی جمعیت ایران بر صندوق بازنشستگی کشوری"، سازمان بازنشستگی کشوری، تهران.
9. عطاریان، ایراندوخت، (1390). "چالش‌های پیش روی صندوق بازنشستگی کشوری و راهبردهای برون‌رفت از آن"، سازمان بازنشستگی کشوری، تهران.
10. غلامی، محمدرضا، (1391). "بررسی عوامل سیاسی موثر بر همبستگی ملی در بین قومیت‌های ایرانی"، رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
11. قاسمی، مجتبی، (1387). "شاخص اندازه گیری تورم برای بازنشستگان"، سازمان بازنشستگی کشوری، تهران.
12. کسرای، محمد سالار، شیرازی، پوزش علی، (1390). تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فصل نامه سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
13. متن آیین نامه سهام عدالت (به پیوست رساله).
14. خاتمی، سید محمد، (1377). متن اول سخنرانی‌ها، سالگرد دوم خرداد، (به پیوست رساله).
15. خاتمی، سید محمد، (1377). متن دوم سخنرانی، مجلس.
16. خاتمی، سید محمد، (1380). متن سوم سخنرانی، مراسم تحلیف هشتمین دوره ریاست جمهوری، (به پیوست رساله).
17. احمدی نژاد، محمود، (1384). متن اول سخنرانی‌ها، سازمان ملل، 26 شهریور، (به پیوست رساله).
18. احمدی نژاد، (1391). متن دوم سخنرانی، مجلس، 27 دی، (به پیوست رساله).
19. احمدی نژاد، (1392). متن سوم سخنرانی، اصفهان، 4 اردیبهشت، (به پیوست رساله).
20. رفسنجانی هاشمی، (1368). متن اول سخنرانی، 15 آذر، یکصد روز پس از مراسم تحلیف و در دیدار با نمایندگان مجلس، (به پیوست رساله).
21. رفسنجانی، هاشمی، (1371). متن دوم سخنرانی، هفته دولت، 17 شهریور، (پیوست رساله).
22. رفسنجانی، هاشمی، (1373). "متن سوم سخنرانی"، مراسم تحلیف دومین دوره ریاست جمهوری، 13 مرداد، (به پیوست رساله).
23. متن لایحه هدفمندی یارانه‌ها (به پیوست رساله).
24. یزدانی، فرشید، (1382). "مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی)"، حمایت اجتماعی، رفاه و تامین اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ویژه نامه‌ی سیاست اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.

۲۶. Bloom, D. Boersch-supan, A, McGee, P, and Seike, A., (۲۰۱۱), "population aging: facts, challenges, and responses", Program on the global demography of aging PGDA working paper No.۷
۲۷. Bongaarts, J., (۲۰۰۴), "Population Aging and the Rising Cost of Public Pensions", policy Resrarch Division. Population Council.
۲۸. Corbo, v. and Schmidt-Hebbel, k., (۲۰۰۴), "Macroeconomic effects of the pension reform in chile", pension reforms.
۲۹. Esping-Andersen, G., (۱۹۹۰), "The Three World of Welfare Capitalism", London:sage.
۳۰. Holzmann, R. Hinz, R., (۲۰۰۵), "Old-age income support in the ۲۱st century: An international perspective on pension systems and reform", Washington D.C: the World Bank.
۳۱. Hviding, K. and Merette, M., (۱۹۹۸), "Macroeconomic Effects Of Pension Reform in The context of Ageing Population: Overlapping Generation Model Simulations for Seven OECD Countries", OECD Economics Department Working Papers, No. ۲۰۱, OECD Publishing.
۳۲. Jackson, R., (۲۰۰۲), "The Global Retirement Crisis", center for strategic and International Studies, ۱۸۱۱ K Street, NW, Washington. DC.
۳۳. Jorgensen, M. & Phillips, L., (۲۰۰۲), "Discourse Analysis as Theory and Method", London:sage publications.
۳۴. Laclau, E. and Mouffe, C., (۱۹۸۵), "Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic politics", London: verso.
۳۵. Laclau, E. (۱۹۹۰) New Reflections on the Revolution of Our Time. London: Verso.
۳۶. Laclau, E., (۱۹۹۳b), "Power and representation", in M. Poster (ed.), Politics, Theory and Contemporary Culture. New York: Columbia University Press.
۳۷. Laclau, E. (۱۹۹۶), "Why do Empty Signifiers Mater to Politics? In E Laclau(Ed)", Emancipation(s), London, NewYork: Verso.
۳۸. Lahey, K. and Anenson, T., (۲۰۰۷), "Public pension liability: Why reform is necessary to save the retirement of state employees", Notre Dame Journal of Law, Ethics & Public policy.
۳۹. Mahdavy, H., (۱۹۷۰), "The patterns of problems of economic development in a rentier state: the case of Iran", Oxford press, London.
۴۰. Noroozian, M., (۲۰۱۲), "The Elderly population in Iran: An Ever Growing Concer in the Health system", Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences, Autumn-Winter, ۶(۳): ۱-۲.
۴۱. -OCED, (۲۰۰۵), "Private Pension: OCED Classification and Glossary".
۴۲. Weir, M. & Skocpol, T., (۱۹۸۵), "State Structures and the Possibilities for a "Keynesian" Response to the Great Depression in Sweden", Britain and the United States', in Evans, P. B. et al, eds, Bringing the State Back in. Cambridge: Cambridge University Press.
۴۳. Whiteford, P. and Whitehouse, E., (۲۰۱۴), "pension challenges and pension Reforms in OECD Countries", Oxford Journal , Oxford Review of Econmic policy, volum ۲۲.
۴۴. Williamson, John B. Howling, S A. and Maroto, M L., (۲۰۰۶), "The Political Economy of Pension in Russia: Why partial Privatization?", ELSEVIER Journal of Aging Studies ۲۰(۲۰۰۶) ۱۶۵-۱۷۵.
۴۵. World Bank, (۲۰۰۳), "Islamic Republic of Iran The Pension System in Iran: Challenges and Opportunities", Volum ۱: Report No. ۲۰۱۷۴-IR